

سینه‌ریز گاه

نویسنده

محمد علی باجی

با مقدمه

دکتر حسن ذوالفقاری



۱۴۰۰

سرشناسه	:	سامی، محمدعلی / ۱۳۳۸
عنوان و نام پدیدآور	:	سینه‌ریزگاه / محمدعلی سامی
مشخصات نشر	:	تهران: نشر بید، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	:	۶۵۱ص. ۱۸×۲۴سم
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۷۶۶۳-۱۴-۳
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبیا
موضوع	:	فرهنگ عامه - ایران - سمیرم
موضوع	:	Folklore - Iran -- Semirom
موضوع	:	خاطرات ایرانی - قرن ۱۴
موضوع	:	Iranian diaries - 20th century
شناسه افزوده	:	حسن ذوالفقاری، مقدمه
رده بندی کنگره	:	CT1888
رده بندی دیویی	:	۹۲۰/۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۵۸۸۳۶۵



انتشارات کتاب

تلفن: ۰۹۱۸۳۶۳۰۱۳۱ - ۴۴۲۴۲۷۵۱

سینه‌ریزگاه

محمدعلی سامی

با مقدمه دکتر حسن ذوالفقاری

ویراستار: فاطمه گلچین

چاپ اول: ۱۴۰۰ • شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۶۳-۱۴-۳

قیمت: ۱۴۵,۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است.

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه.....
۱۱.....	سینه‌ایزگاه.....
۱۵.....	کیلون.....
۲۳.....	شکسته‌بند.....
۳۱.....	ایشا.....
۳۷.....	شکرالله.....
۴۳.....	ختنه‌کنان.....
۵۵.....	میرزا حبيب.....
۶۱.....	کلانتر سمير.....
۷۱.....	مسجد قائم.....
۸۵.....	کُهلِه قَصَبَه.....
۹۹.....	سیستون.....
۱۲۳.....	دبستان رازی.....
۱۴۳.....	گله‌گاو و گله‌گوسفند.....

۱۵۷.....	چاووش خوانی.....
۱۷۷.....	سمیران یا سمیرم.....
۲۰۱.....	عمه ربابه.....
۲۱۱.....	سید.....
۲۲۳.....	نمایش پهلوانی.....
۲۴۱.....	پرده خوانی درویشان.....
۲۶۳.....	مجالس تعزیه خوانی.....
۲۸۹.....	بازی های محلی.....
۳۳۳.....	عروسی رهنما.....
۴۶۱.....	شخصیت های سمیرم.....
۴۷۹.....	اردک سفید.....
۴۸۹.....	گاو سفید خال خالی.....
۵۰۱.....	شکار خانی.....
۵۱۵.....	ارزوی مرگ.....
۵۳۱.....	دیگ جوشان.....
۵۶۱.....	آیین ها و جشن ها.....

مقدمه

محلۀ خاطرات

سینه‌ریزگاه محلۀ خاطرات و خطرات است. محلۀ کودکی و بازی و قد کشیدن، حالا پس از گذشت شصت و دو بهار، نویسنده به آن سال‌های دور و دیرنگریسته و تجربه‌های خویش را پیش روی ما نهاده است. کتاب پیش رو زندگی‌نامه خودنوشت یا «اتوبیوگرافی» است. این نوع نوشته‌ها هم جاذبه‌ها و خوبی‌های خودشان را دارند. این نوع زندگی‌نامه‌ها با خاطرات و یادداشت‌های روزانه و سفرنامه‌ها، پیوستگی نزدیکی دارد. اتوبیوگرافی به يك معنی گونه‌ای داستان‌گویی است. داستانی است که قهرمان اصلی آن خود نویسنده است و رویدادهای آن همگی واقعی‌اند. اما واقعیتی که رنگ ابداع و تخیل به خود گرفته و جاذبه و کشش داستانی یافته است. بیان خشك و بی‌روح وقایع نیست. فضا سازی، پرداخت شخصیت‌ها، قدرت توصیف و بیان احوال نفسانی به خودنوشت‌های مهم رنگ آثار ادبی و هنری می‌بخشد و آن‌ها را از تاریخ‌نگاری و تذکره‌نویسی متمایز می‌کند. در این گروه از زندگی‌نامه‌ها نویسنده با دقت و موشکافی در عین شیرینی و دل‌نشینی حوادث ایام را یک‌به‌یک و موبه‌موش شرح

می‌دهد. شاید نمونه عالی آن کتاب ارزشمند «شرح زندگانی من» نوشته عبدالحق مستوفی باشد و نوع تازه و از تنور درآمده و داغ داغ، کتاب «سینه‌ریزگاه».

«سینه‌ریزگاه» خاطره‌نویسی هم هست که نوعی حسب حال و اتوبیوگرافی به شمار می‌رود. اگر نویسنده، هوشمند و نکته‌بین و خوش قلم باشد که نویسنده ما هست. خاطراتی را می‌نگارد که لطف و شیرینی خاص خواهد داشت؛ به خصوص اگر صمیمی و بی هیچ تکلفی نوشته شود. این خاطرات گاه مطالبی را در بردارد که در جای دیگر نمی‌توان یافت. نویسندگان خاطره اغلب به موضوعاتی می‌پردازند که مورد توجه و علاقه یا خلاف سلیقه‌شان است؛ اما اطلاعات و نکته‌های فرهنگی، اجتماعی یا تاریخی آن‌ها غیرقابل انکار است. چون نویسنده در خاطرات از اشخاص و حوادث واقعی سخن می‌گوید گاه از برخی داستان‌ها زنده‌تر و گیراتر می‌شود. حتی اگر نویسنده خاطرات، از قریحه ادبی و هنری برخوردار باشد، بسا که اثر او به صورت یکی از انواع ادبی درمی‌آید و ارزش خاص داشته باشد. در این اثر هم نویسنده پس از سائیان دور، خاطرات خود را با قلمی زیبا توصیف و تشریح کرده است. از خلال این خاطره می‌توان پی برد نویسنده در چه زمانی و چگونه زیسته است. وضعیت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن دوران چگونه بوده است و بسیاری از نکته‌ها و دانستنی‌ها و اطلاعات را می‌توان دریافت.

خاطره‌ها صمیمی و شیرین هستند. در خاطره‌نویسی دست به‌طور کامل باز است. اما دست باز کافی نیست. چشم باز و نگاه تیز و نوهم می‌خواهد. خاطرات شیرین و گاه تلخ زندگی، عواطف و احساسات دوران گذشته، ثبت تحریریت تکرارناشدنی همگی ثبت گذشته‌ها و لحظات زندگی است. مراجعه به این

یادداشت‌ها، تأثیر مثبت عاطفی و روانی دارد. گاه يك سطر از يك خاطره مربوط به سائیان دور، ساعت‌ها آن خاطره را زنده در مقابل چشمان ما می‌آورد. خاطرات را با ثبت می‌توان ماندگار و جاودانه ساخت، عبرت گرفت و درس آموخت. به قول آندره مائرو «انسان انبان كوچك و حقیری از رازهاست» رازهایی که اگر ثبت و ضبط و ماندگار نشود از دست می‌روند. گاه برخی از خاطره‌ها آن‌چنان گیرا، شیرین و جذاب هستند که به رمان تبدیل می‌شود. نمونه آن کتاب «بخارای من ایل من» است که نویسنده، با کمال هنرمندی خاطرات خود را در میان ایل گزارش می‌کند و من هنگام خواندن این کتاب ناگاه به یاد بخارای من ایل من می‌افتادم.

کتاب پیش رو، با زمینه داستانی و لحن صمیمی و گیرای خود، ما را به زادگاه نویسنده می‌برد. یک فایده مهم نویسندگانی‌ها آن است که ما با فرهنگ مردم هم آشنا می‌شویم. کتاب‌های فرهنگ مردم هر منطقه معمولاً ما را بکر است می‌برند به سفره فرهنگ مادی و معنوی مردمان شهر و روستا؛ اما این خودنویست و امثال آن، در قالب و بافتی دیگر، ما را به ضیافتی شیرین و شگرف و به یادماندنی می‌برند. حالا ما با سینه‌ریزگاه و مردم آن آشناییم و می‌دانیم رفتار و کردار و زندگی آنان چگونه است. گویی سال‌ها با آن‌ها زیسته‌ایم. مشهدی ابوالقاسم شکسته‌بند و قوت دست شفا دهنده‌اش را می‌شناسیم. چاووش خوان کهن سال، با موهای سفید آبشارگونه‌اش را می‌شناسیم که بساط درویشی را چگونه پهن و مهیا می‌کرد. حالا به مدد پاورقی‌ها و توضیحات نویسنده درباره واژگان و اصطلاحات منطقه، دانش زبانی ما بیشتر و بیشتر شده است و اکنون می‌دانیم «هیاری» و «میمی» و «فینه» و ... یعنی چه. جملات گویشی در متن دیالوگ‌ها ما را با زبان مردم بیشتر آشنا می‌کند. در خلال خاطرات، بسیاری از آداب و رسوم مردم منطقه را درمی‌یابیم. سوگ‌ها، سرورها، شعرها و ... مراسم سوگ

ابراهیم خان هم خود داستانی است از حرمت این مردم بر بزرگان خود. راستی این سمیرم چقدر باد دارد: چوم، چوقان، راست، چپ، قبله و... گله‌داری و کشاورزی هم خم و چم خودش را دارد. چقدر گویا و ریز توصیف شده. حالات گاوهای چموش و کپره‌ها و بره‌ها هم از دید نافذ نویسنده دور نمانده‌اند.

سینه‌ریزگاه نه تنها داستان زندگی پرفرازونشیب نویسنده است، بلکه تاریخ قطعه‌ای از زمین و مردمان پاک و خوب آن است. با زبانی سالم، داستانی، شیرین. جزئی نگرو گرم و گیرا. من که با شوق خواندم. امید خوانندگان هم با اشتیاق بخوانند و با تکه‌ای از تاریخ و جغرافیای فرهنگی ایران بزرگ و سرافراز بیشتر آشنا شوند. برای نویسنده خوش قلم آن جناب محمدعلی سامی گرامی توفیق و سربلندی آرزو دارم.

دکتر حسن ذوالفقاری

بیستم خرداد ۱۴۰۰

شانگهای